



تفاوت نگاه مسیحی و اسلامی به فلسفه دین/نقش متفاوت کشیش و روحانی اسلامی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تشریح تفاوت نگاه مسیحی و اسلامی به فلسفه دین گفت: فلسفه دین نظامی است که در فضای غربی منشاء یافت و در آن فضا نیز بارور گردید. نظام مشابه در بستر اسلامی کلام و کلام جدید بوده است.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تشریح تفاوت نگاه مسیحی و اسلامی به فلسفه دین گفت: فلسفه دین نظامی است که در فضای غربی منشاء یافت و در آن فضا نیز بارور گردید. نظام مشابه در بستر اسلامی کلام و کلام جدید بوده است.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در همایش بین‌المللی فلسفه دین معاصر که یکشنبه سوم دی ماه در این پژوهشگاه برگزار شد، طی سخنانی به موضوع "فلسفه دین در بستر اسلامی" پرداخت و گفت: فلسفه دین نظامی است که در فضای غربی منشاء یافت و در آن فضا نیز بارور گردید. نظام مشابه در بستر اسلامی کلام و کلام جدید بوده است. جهان مدرن با مسایل جدید فلسفی و دینی مواجه گردید که می‌بایست از منظری فلسفی ارزیابی گردند. به این دلیل بود که فلسفه دین فعالیت جدی خویش را آغاز نمود.

دکتر آیت‌اللهی در ادامه به رویکردهای مختلفی که نسبت به فلسفه در فضای اسلامی است، پرداخت و با اشاره به تفاوت آن با فضای مسیحی افزود: اولین تفاوت فلسفه اسلامی با فلسفه غربی مساله آموزه‌های خاص موضوعات فلسفی است. در فلسفه اسلامی بیشتر باورهای گزاره‌ای داریم، اما در فلسفه غرب باورهای تاریخی وجود دارد. از جمله گناه اولیه، هبوط، فدیة، تجسد و ... دومین تفاوت ارتباط بین انسان و خدا است. اهمیت انسان در مسیحیت به این معنی است که انسان یک انگاره‌ای از خداست.

وی تصریح کرد: سومین مساله عشق خداوندی در مسیحیت و خداوند رحمان در اسلام است. که این دو گزاره تفاوت مفهومی و معنایی با یکدیگر دارند. چهارمین تفاوت در اخلاق و سیاست است. مسیحیت بیشتر جنبه اخلاقی دارد، اما در اسلام جنبه سیاسی پررنگ تر است به این معنی که در فلسفه غربی رابطه دین و سیاست مطرح نیست اما در رویکرد اسلامی این مساله اهمیت زیادی دارد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پنجمین تفاوت فلسفه اسلامی و فلسفه غرب از منظر آموزه‌ها پرداخت و گفت: مسیحیت بیشتر دینی شخصی است در حالی که اسلام دینی اجتماعی است. تفاوت دیگر در رابطه عقل و ایمان در اسلام و مسیحیت است. در اینجا تفاوت بین مفاهیم، پیش فرض‌ها و بسترها در رویکرد اسلام و مسیحیت به فلسفه دین مطرح است.

دکتر آیت‌اللهی یادآور شد: معنای وحی در اسلام و مسیحیت با هم متفاوت است. در اسلام وحی 23 سال طول کشید، اما در مسیحیت تا سال 1500 ادامه دارد. تفاوت دیگر فلسفه اسلامی و مسیحیت در معنای "تعالی" و "حلول" است. این دو نقش کلیدی در مسیحیت و حتی فلسفه‌های غربی دارند. علت اهمیت آن این است که در مسیحیت موضوع "تجسد" وجود دارد اما در اسلام چنین چیزی نیست و برای همین ترجمه آن به فارسی همواره مشکل بوده است. سومین تفاوت فلسفه اسلامی و فلسفه غربی در مفهوم نبوت است. ما حضرت مسیح(ع) را نبی می‌دانیم، اما در مسیحیت حضرت مسیح(ع) خدای مجسد است. تفاوت دیگر در مفهوم قیامت است. در بخشی از کلام اسلامی به قیمت پرداخته می‌شود در حالی که در مسیحیت اهمیت زیادی ندارد.

وی به تفاوت دیگر فلسفه اسلامی و فلسفه غرب اشاره کرد و افزود: موضوع نبوت و پدر بودن خدا در مسیحیت وجود دارد اما در اسلام چنین چیزی نیست، لذا نوع پرداختن به فلسفه دین متفاوت می‌شود. در اسلام و یهودیت شریعت وجود دارد اما در مسیحیت این شریعت ضعیف است. مساله دیگر اینکه متفکران اسلامی معادل قرآن در مسیحیت را انجیل می‌دانند در حالی که این دو با هم متفاوتند. در واقع معادل قرآن در مسیحیت خود حضرت مسیح(ع) است که "کلمه" بود لذا در رویکرد اسلام به فلسفه دین بسیار اهمیت دارد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یادآور شد: مساله اولی که فلسفه اسلامی و غرب با تفاوت مفاهیم دچار مشکل می‌شوند بحث علم و دین است و مساله تکامل که در مسیحیت منجر به ایجاد مفهوم خداوند تجسد یافته، گناه اولیه، هبوط و ... شده است در صورتی که این آموزه بنیادی در اسلام نیست. البته آموزه‌هایی در مورد علم و دین در اسلام وجود دارد اما این آموزه بنیادی نیست. دومین مساله، مساله شر است. در فلسفه دین اسلامی این موضوع به صورت عدل الهی مطرح است در حالی که در فلسفه غرب در آن به شر تعبیر می‌شود.

وی افزود: سومین مساله بحث تجربه دینی و عرفان است. عرفان در فلسفه اسلامی متفاوت با غرب است. در فلسفه غربی این مساله وجود دارد که آیا تجربه‌های دینی ما متعلق خارجی دارند یا خیر؟. چهارمین تفاوت بحث الهامات است و باید توجه داشت که بین قرآن و انجیل از این منظر بسیار فرق وجود دارد. در مسیحیت ما با قدیسان سر و کار داریم در حالی که در اسلام بحث علما مطرح است. در مسیحیت قدیسان به خاطر قداست‌شان مورد توجه قرار می‌گیرند اما در اسلام بحث علم مطرح است و در مسیحیت سلسله مراتب کلیسایی وجود دارد اما در اسلام با این که حجت‌الاسلام، آیت‌الله وجود دارد اما اینها با یکدیگر ارتباط درجه‌ای ندارند بلکه این مساله به درجه علمی‌شان بر می‌گردد.

دکتر آیت‌اللهی در ادامه تصریح کرد: تفاوت دیگر در نقش کشیش و روحانی در ارتباط انسان با خدا است که در اسلام هیچ روحانی‌ای ارتباط انسان با خدا را برقرار نمی‌کند برعکس در مسیحیت بسیار این نقش برای کشیش پررنگ و تاثیرگذار است. مساله دیگر تفاوت نگاه مسیحی و اسلامی به فلسفه دین نشات گرفته از نحوه استدلال‌آوری است. بیشتر فلسفه دین غربی مسایل تجربی است اما در فلسفه دین از منظر اسلام مبنای عقلی مسایل مطرح است. همچنین رابطه خدا و مخلوق از دیگر مسایل اختلافی است به این معنی که اراده خدا و فیض الهی در مسیحیت و اسلام متفاوت است.

وی در پایان به راه حل‌های این مشکلات بین فلسفه اسلامی و غربی اشاره کرد و گفت: براهین اثبات خدا در اسلام و مسیحیت در غرب فرق می‌کند که راه حل‌های متفاوتی را در پی دارد. امید داریم فلسفه دین را از کانتکس صرف غربی در بیاوریم و یک بستر بزرگتری از فلسفه دین در پی این گفتگوها به دست آوریم تا به ایده‌های بهتری در حوزه برهان آوری برسیم.